

# بررسی فقهی و حقوقی کودک آزاری

شهین گنجی مقدم\*، دکتر محمد رضا داداشی،

1394-6-30

کودک-آزاری مفهوم جدیدی است که از ورود آن به ادبیات حقوقی ما مدت زمان کوتاهی می گذرد. شیوه برخورد با کودک آزار دیده بویژه در سطح آزارهای جنسی و یا صدمات فیزیکی و روانی شدید، مستلزم کسب مهارت و آگاهی-های متعددی است در فقه اسلامی «تنبيه» و «تأديب»، گرچه بار معنایی مثبت دارد، به همان اندازه می تواند مورد سوء استفاده قرار گیرد و آزارهای جسمی در قالب تنبيه و تأديب، بدون اینکه ضمانت اجرایی مناسب داشته باشد، اعمال گردد. در فقه اسلامی، آزار به معنای عام کلمه و کودک آزاری به معنای اخص کلمه به شدت مورد تقبیح قرار گرفته است و از جهت فقه جزایی برای آن مجازاتی در نظر گرفته شده از طرفی در سطح نظام حقوقی داخلی از یک-سو، قوانین مصوب در زمینه حمایت از کودکان در برابر رفتارهای آزاردهنده کامل نیست و از سوی دیگر، میان نهادهایی که هر یک به نحوی با پدیده کودک-آزاری (بعنوان یکی از مصادیق آسیب-های اجتماعی) درگیر هستند، بعضاً اختلافاتی به چشم می-خورد. در برخی موارد، موازی-کاربه-ها و اختلال در وظایف مشاهده می-گردد و در بخش-هایی نیز عدم-پذیرش مسئولیت و محول نمودن آن به نهاد و سازمان دیگر و با استناد به قوانین عام و خاص موجود، تلاش می-نمایند تا مسئولیت مداخله در این حوزه را به نهادها و سازمان-های دیگر محول نمایند از طرفی مقنن در پی الحاق ایران به کنوانسیون حمایت از حقوق کودک در سال 1372 در جهت در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب از ارزشهای لحاظ شده در این پیمان-نامه جهانی، در سال 1381 قانون حمایت از کودکان و نوجوانان را به تصویب رساند. مواد این قانون با الهام از مواد 19، 32، 34 و 35 کنوانسیون حقوق کودک تنظیم و انشاء شده است، اما کاملاً منطبق با مفاد این کنوانسیون نیست.

کلمات کلیدی : واژگان کلیدی: کودک، بزه دیده، کودک آزاری، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان

[Islamic Azad University, Rasht Branch - Thesis Database](#)

[دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت - سامانه بانک اطلاعات پایان نامه ها](#)